

The Quranic principles and strategies for negotiating with an enemy

Ali Montazeri^{1✉}, Mahdi Izadi²

1. Corresponding Author, Phd Student of Qur'anic Sciences and Hadith, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Islamic Teachings and Theology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: Montazeraliabhar@gmail.com
2. Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Islamic Teachings and Theology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: Mahdi.iazadi@gmail.com

Abstract

Political negotiation constitutes a paramount and prevalent instrument within diplomacy for realizing agreements between states across diverse domains, including diplomatic relations and foreign policy. It plays a pivotal role in the peaceful attainment of the demands, interests, and aspirations of the negotiating parties. Each state, in pursuit of an optimal accord with both allied and adversarial entities, is obligated to adhere to its intrinsic religious and legal frameworks throughout the negotiation process. The Holy Quran delineates principles and strategies relevant to the negotiation conduct of Islamic states with both amicable and antagonistic governments. However, these precepts are not articulated explicitly or classified systematically; rather, they must be induced and articulated based on interpretations gleaned from Quranic exegesis (Tafsir) literature. Consequently, this research employs a descriptive-analytical methodology to compile and categorize verses associated with negotiation, extracting principles and strategies through valid interpretation. The findings reveal that negotiation strategies, from a Quranic perspective, comprise pre-negotiation, intra-negotiation, and post-negotiation strategies, as well as those common across all phases. These strategies are subsumed under four fundamental principles: The Principle of Monotheism and Guardianship (Tawhid and Walayah), The Principle of Dignity and Authority (Izzah and Iqtidaar), The Principle of Justice-Seeking and Anti-Oppression (Adl-Talabi and Zulm-Sateezi), and The Principle of Wisdom and Expediency (Hikmah and Maslahat).

Keywords: Negotiation, Strategy, Foreign Policy, International Relations, Rejection of the Authority of Disbelievers.

اصول و راهبردهای قرآن کریم در مذاکره با دشمن

نویسنده^۱ | نویسنده^۲

^۱. علی منتظری (نویسنده مسئول)، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده معارف اسلامی و الهیات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران،

ایران. رایانامه دانشگاهی: Montazeraliabhar@gmail.com

^۲. مهدی ایزدی، استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده معارف اسلامی و الهیات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. رایانامه دانشگاهی:

Mahdi.iazadi@gmail.com

چکیده

مذاکره سیاسی از مهم‌ترین و متداول‌ترین ابزارها و روش‌های دیپلماسی جهت تحقق توافق میان دولت‌ها در حوزه‌های مختلف، از جمله روابط دیپلماتیک و سیاست خارجه بوده و نقش کلیدی در حصول مسالمت‌آمیز مطالبه‌ها، منافع و آرمان‌های طرفین مذاکره دارد. هر دولت و حکومتی برای دستیابی به توافقی مطلوب با دوست و دشمن، ملزم به رعایت چارچوب‌های دینی و قانونی خود در جریان مذاکره است. در قرآن کریم اصول و راهبردهایی برای مذاکره دولت‌های اسلامی با دولت‌های موافق و متخاصم مطرح شده است؛ اما این اصول و راهبردها با صراحت و به طور دقیق بیان و دسته‌بندی نشده است؛ بلکه باید مستند به کتب تفسیر مفهوم آیات قرآن کریم استقرا و ارائه شود؛ بنابراین در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مراجعه به معاجم قرآنی، کتب تفسیری آیات مرتبط با مذاکره جمع‌آوری و دسته‌بندی شده و از مفهوم آن‌ها اصول و راهبردهای مذاکره استخراج شده است. طبق دستاوردهای این پژوهش، راهبردهای مذاکره از منظر قرآن کریم عبارت است از: راهبردهای قبل از مذاکره، راهبردهای زمان مذاکره، راهبردهای پس از مذاکره و راهبردهای مشترک سه مرحله، که تمامی این راهبردها ذیل چهار اصل قرار می‌گیرند که عبارت است از: اصل توحید و ولایت، اصل عزت و اقتدار، اصل عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی و اصل حکمت و مصلحت.

واژگان کلیدی: مذاکره، راهبرد، سیاست خارجه، روابط بین‌الملل، نفی ولایت کافران.

مقدمه

دین مبین اسلام در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دیگر عرصه‌ها دارای برنامه و راهبرد است. مفاهیم آن دین باتوجه‌به ویژگی خاتمیت و جاودانگی‌اش، در تمامی عصرها برای قرارگرفتن در مسیر هدایت و سعادت، لازم به پی‌جویی و اهتمام است. با تشکیل و گسترش حکومت در هر جامعه‌ای، مسائل و چالش‌هایی پیشروی آن قرار خواهد گرفت. یکی از این مسائل و چالش‌ها، نحوه تعامل با دولت‌های بیگانه در عرصه روابط بین‌الملل است. جوامع بشری در رفع نیازهای خود به گونه‌ای محتاج یکدیگرند که نمی‌توانند جدا از هم زندگی سعادتمندانه‌ای داشته باشند؛ بنابراین استقلال جوامع در ارتباط با یکدیگر معنا پیدا می‌کند (نجفی، ۱۳۷۵، ۳-۴). آیات متعددی از قرآن کریم، صلح و دوستی و دوری از نزاع و کشمکش را اصلی حاکم بر روابط بین‌الملل دولت‌ها و کشورهای مختلف می‌داند. در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (سوره بقره، آیه ۲۰۸)؛ «ای اهل ایمان! همگی در عرصه تسلیم و فرمان بری [از خدا] در آید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، که او نسبت به شما دشمنی آشکار است»، «سِلْم» و «سَلَم» به معنای اسلام و صلح است (طوسی، بی‌تا ج ۲، ص ۱۸۶ و طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۸۹) و می‌توان این آیه را از مصادیق دال بر تقدم صلح طلبی بر ستیزه گرایی دانست.

مذاکره یکی از مهم‌ترین و متداول‌ترین ابزارهای دیپلماسی جهت حل و فصل اختلاف‌ها و دستیابی به منافع و مطالبات دولت‌ها و کشورها است. امروزه نیز یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران، کیفیت حفظ استقلال ملی، میزان و شرایط داشتن ارتباط با کشورهای دیگر، و پیگیری خواسته‌ها، اهداف و نیازهای خود از طریق مذاکره و دیپلماسی است. مقام معظم رهبری در خصوص ارتباط با کشورهای دیگر می‌فرماید:

«سیاست خارجی ما نسبت به گذشته هیچ تفاوتی نکرده و نمی‌کند. ما در گذشته هم تصریح کرده‌ایم و الان هم می‌گوییم که برای ایجاد ارتباط سالم و دور از تکلف و تحمیل، آماده‌ایم با هر کشوری - به جز چند استثنا که دلایل خاص و واضح خودش را دارد - ارتباط داشته باشیم». (خامنه‌ای، علی، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

وحيانی بودن قرآن کریم و نبود تعارض و اختلاف در آن، از جمله دلایلی است که تتبع و تحقیق در آموزه‌های قرآن کریم را برای ترسیم راهبردهای مذاکره با دشمن لازم می‌نماید. با تتبع و تحقیق در آیات قرآن کریم راهبردهای مذاکره با دشمن قابل استخراج و پی‌جویی است. راهبردهایی که در جهت‌دهی مسیر مذاکرات، به‌سوی مذاکرات الهی و دینی، مفید و اجرایی بوده و مانع از ورود سلايق شخصی، سیاسی و حزبی خواهد شد.

ضرورت پژوهش

دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی به‌منظور داشتن حرکت اسلامی در روابط بین‌الملل، لازم است چارچوبی دینی و قانونی برای این روابط تعریف نمایند. آیات قرآن کریم ضمن وحیانی بودن (آیه ۱۹ سوره انعام) از هرگونه تحریف و اختلاف به دور است (آیه ۸۲ سوره نساء) و بهترین و مهم‌ترین منبع جهت استقرا این روابط است. از مهم‌ترین ثمره‌های این پژوهش، ارائه اصول و راهبردهایی مبتنی بر قرآن کریم برای مدیریت مذاکرات کشورهای اسلامی و خصوصاً جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها و دولت‌ها، در جهت تأمین منافع اسلامی و ملی می‌باشد.

پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی در رابطه با دیپلماسی، مذاکره و سیاست خارجی اسلام مبتنی بر سیره پیامبر ﷺ و آیات قرآن انجام شده است که برخی کلی بوده و برخی دیگر به طور حداقلی به بیان آیات پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها در سه قسمت کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها به طور جداگانه ذکر خواهد شد و در آخر و پس از ذکر پیشینه مرتبط با این پژوهش، خلأها و وجوه نوآوری به طور کامل بیان خواهد شد.

کتاب‌ها

- دیپلماسی در نگاه پیامبر اعظم p ، محی‌الدین میرمرشدی، سید احمد (۱۳۹۵ش)، انتشارات شرکت گروه مطالعات اندیشه‌ورزان آریا.

- روابط بین‌الملل در اسلام، جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷ش)، نشر اسراء

- دیپلماسی و رفتار بین‌المللی در اسلام، اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۸ش)، نشر سمت.

پایان‌نامه‌ها

- مذاکره به‌مثابه شیوه سیاسی حل‌وفصل اختلافات در سیره معصومین p و حقوق بین‌الملل، مهدوی، پروین (۱۳۹۸ش)، دانشگاه غیرانتفاعی اشرفی اصفهانی.

- بررسی مذاکره‌ها و گفتگوهای سیاسی رسول خدا p ، احمدی اصلان شاه، فروزان (۱۳۹۶ش)، دانشگاه الزهراء.

- مذاکره با دشمن از منظر قرآن و نهج‌البلاغه، اسمعیلی خسروآبادی، مریم (۱۳۹۵ش)، دانشکده اصول‌الدین (مرکز دزفول).

مقالات

- الگوی مذاکره در سیره نبوی p، گوهری مقدم ابوذر و کیانی مجاهد حامد (۱۳۹۸ش)، دو فصل نامه علمی دانش سیاسی،

شماره ۱

- دیپلماسی پیامبر p و ابزارهای توسعه روابط بین الملل با سایر دولت‌ها، خزائی احمد رضا (۱۳۹۳ش)، پژوهش نامه روابط

بین الملل.

- شاخصه‌های مذاکره مطلوب اسلامی در حل و فصل منازعات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، شبان نیا قاسم (۱۳۹۵ش)،

پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال چهارم، شماره ۹.

- اصول و قواعد بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره، موحدی نیا مهدی، قراملکی علی مظهر، حسینی سید محمد (۱۳۹۷ش)،

پژوهش‌های فقهی، شماره ۳.

بامطالعه آثار مذکور، این نتیجه حاصل شد که دیدگاه و نقطه عزیمت این پژوهش‌ها، غیر از نگاه قرآنی بوده است. برخی از آثار با نگاه فقهی و برخی دیگر با نگاه سیاسی انجام شده است. این تحقیق درصدد است تا ضمن تمرکز، تحقیق، مصادیق و راهبردهای این کتاب آسمانی را برای انجام یک مذاکره مطلوب اسلامی، مبتنی بر مستندات تفسیری (کتب تفسیر) ارائه دهد؛ بنابراین پژوهش حاضر از جهت تمرکز بر آیات قرآن کریم و به لحاظ نقطه عزیمت و نگاه قرآنی، بدیع و دارای نوآوری است. همچنین، این تحقیق درصدد است تا ضمن استقرار راهبردهای مذاکره با دشمن از منظر قرآن کریم، طرح بدیع و نسبتا جامعی را برای یک مذاکره مطلوب اسلامی ارائه نماید و تمامی راهبردها را ذیل چهار اصل ترسیم و طبقه بندی نماید. در این پژوهش اصول و راهبردها با بررسی و مطالعه آیات، تفاسیر و معاجم قرآن کریم احصا، تحلیل، دسته بندی و ارائه می گردد.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش "توصیفی - تحلیلی" استفاده می‌شود. شیوه انجام پژوهش این گونه است که با مراجعه و مطالعه فرهنگ‌نامه‌های قرآن کریم، مانند معجم المفهرس محمد فؤاد عبد الباقي، فرهنگ قرآن اکبر هاشمی رفسنجانی، فرهنگ‌نامه موضوعی قرآن کریم سید احمد خاتمی، و تحقیق و تدبیر شخصی پژوهشگران در قرآن کریم و گردآوری اطلاعات و گزارش‌های مورد نیاز و مرتبط، فهرست مطالب به دست آمده و پس از آن بامطالعه دقیق کتب تفسیری و فیش برداری مطالب و دسته‌بندی، تحلیل و تجزیه آن، متن نهایی پژوهش نگاشته و انجام شد.

۱. دشمن (عدو)

طبق نظر لغت‌شناسان ریشه «عدو» دارای نوعی تجاوز و از حد گذشتن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۴۹-۲۵۲ و راغب ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۵۳) و کینه توزی و پنهان داشتن خصومت دیگران در قلب و دل، مصداقی از این تجاوز می‌باشد و این عداوت می‌تواند از روی دشمنی و عمد باشد و می‌شود از روی قصد نباشد، بلکه حالتی باشد که باعث اذیت و رنجش شخص گردد. (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۵۳). منظور از دشمن در این تحقیق، معنای اولی است که راغب از «عدو» ارائه کرده است؛ یعنی دشمنی و خصومتی که به قصد، نسبت به دیگران انجام می‌شود. به منظور تخصیص بهتر دشمن در این پژوهش، مراد از دشمن در سه گروه: کافران، منافقان و اهل کتاب تقسیم‌بندی شده و در ادامه به تعریف هریک می‌پردازیم:

۱-۱. کفر و کافر

ابن فارس ریشه کفر را به معنای پوشیده شدن و پوشاندن دانسته و آن را ضدّ ایمان تعریف می‌نماید؛ چرا که کفر «حق» را می‌پوشاند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۱). دیگر لغت‌شناسان نیز کفر را نقیض ایمان دانسته‌اند (کتاب العین فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۶۵، جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۰۷ و ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۱۱۱). در اصطلاح فقها، کفر به معنای عدم قبول اسلام و انکار یکی از ضروریات دین است؛ اگرچه که شخص انکار کننده مسلمان باشد (مشکینی، بی‌تا، ص ۴۴۱). طبق نظر طبرسی، کفر در اصطلاح عبارت است از، انکار توحید، عدل، نبوت و انکار هرآنچه از ضروریات دین به حساب آید و خداوند معرفت به آن را واجب کرده باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۲۸).

۲-۱. منافق

طبق نظر لغت‌شناسان «نفاق» از «نَفَق» مشتق شده است چرا که «منافق» خلاف آنچه را که اظهار می‌نماید، مخفی می‌کند و گویا ایمان از او خارج می‌شود و یا او از ایمان به طور مخفیانه خارج می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۵۴ و ۴۵۵ و ازهری، ۱۴۲۱، ج ۹، ص ۱۵۶، جوهری ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۵۶۰). فیومی محل نفاق را «قلب» دانسته و آن را به معنای اظهار نمودن و تظاهر به اسلام و پنهان نمودن غیر اسلام می‌داند (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۱۸). شریف مرتضی، «نفاق» را به معنای، «اظهار ایمان همراه با پنهان داشتن کفر» می‌داند (شریف مرتضی، ۱۴۰۵، رسائل، ج ۲، ص ۲۸۸). طبرسی نیز منافق را «اظهار کننده ایمان و پنهان کننده کفر» معرفی می‌نماید. (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۳۹) طباطبایی نیز «نفاق» را در عرف قرآن به معنای دو رویی و دو رنگی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۴۹).

۳-۱. اهل کتاب

لغت‌شناسان «أهل الإسلام» را به معنای «کسی که اسلام را دین خود انتخاب کرده است» می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ۹۰، ازهری، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۲۲۰، ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۱). شهید صدر اهل کتاب را آیین‌های دینی قبل از اسلام می‌داند که دارای کتب الهی بودند و قدر متیقن اصطلاح اهل کتاب را دین «یهود» و «مسیحیت» در نظر می‌گیرد (صدر، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۴۹۲-۴۹۴).

مفسران مستند به آیه ۱۵۶ سوره انعام، مراد از طائفه‌ای که به آنها کتاب نازل شده است را «یهود و نصاری» می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۹۷، زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۱، مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۴۴، طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۳۸۳، فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۸۵). سبزواری «اهل کتاب» را به معنای پیروان تورات و انجیل می‌داند (سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۲۵). ذوقی با استناد به نظر مشهور فقها بیان می‌دارد که منظور از اهل کتاب سه طایفه یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و نیز پیروان ادیانی است که در اصول دین خود موافق یکی از این سه دین باشند (ذوقی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۴). طبق مبنای آیت الله خامنه‌ای، منظور از اهل کتاب گروهی از کافران است که خود را معتقد به یکی از کتاب‌های آسمانی و منسوب به یکی از پیامبران الهی می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۴۱۷، ص ۱۱-۱۳). باتوجه به جامع بودن نظر آیت الله خامنه‌ای، منظور از اهل کتاب در این تحقیق، تعریفی است که ایشان ارائه نموده‌اند.

۱-۴. مشرک

ابن فارس اصل معنایی ریشه «شرک» را: ۱- مقارنت و همتا داشتن و ۲- امتداد و استقامت می‌داند. در ادامه «شریک بودن» را ذیل معنای اول می‌داند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۶۵). جوهری شرک را «کفر» معنا می‌کند (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۵۹۳). ازهری «شرک» را به معنای همتا قرار دادن برای خداوند در ربوبیت می‌داند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۱۳).

علامه طباطبایی شرک را آئینی می‌داند که دارای انشعاب‌ها و ضمیمه‌های بدعت‌آمیز بوده، احکام و عقاید غیرالهی در آن وارد شده و به‌سوی غیر خدا می‌خواند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۱۱). طبرسی نیز مشرکان را «بت پرستان» معنا و تفسیر نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۴۴). طبق تعریف ذوقی، مشرکان گروهی از کافران اند که خود را منتسب به هیچ یک از پیامبران الهی یا کتب آسمانی نمی‌دانند و غیر خدا را در الوهیت و ربوبیت، شریک او می‌دانند. (ذوقی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۴). همچنین طبق تفسیر و برداشت آیت الله خامنه‌ای از آیه ۱۷ سوره حج، «مشرکین» به مقتضای مقابله با دو گروه مؤمنین و اهل کتاب، در بت پرستان و اصحاب وثنیت متعین می‌شود (خامنه‌ای، ۱۴۱۷، ص ۱۱-۱۳). از مجموع آنچه گفته شد، مراد از «مشرکین» در این پژوهش، تعریفی است که ذوقی و آیت الله خامنه‌ای ارائه داده‌اند.

۲. اصل (اصول)

لغت‌شناسان ریشه «اصل» را به معنای «پایه و اساس» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۱۰، راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۸، موسی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۸۵۰) و آن چیزی که وجود یک شیء متکی به آن است، تعریف می‌کنند (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۶، موسی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۸۵۰).

از نظر اصطلاحی، در فرهنگ علوم سیاسی، واژه‌های، اصل، معیار و هنجار به یک معنا به کار رفته و در معنای آن آمده است: «دستور، قاعده، رهنمود، قانون، میزان و ضابطه‌ای که باید راهبری و هدایت یک رفتار را موجب گردد تا هم‌رنگی و یگانگی را به وجود آورد» (آقابخشی و راد، ۱۳۷۹، ص ۳۹۷). ژان شاتو اصل را چنین تعریف می‌کند: «اصل مفهومی کلی است و ملاک و معیار واقع می‌شود؛ بنابراین نمی‌تواند امری جزئی و دارای مصداق معین باشد» (ژان شاتو، ترجمه شکوهی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۴، رضائی، ۱۳۹۶، ص ۲۱).

۳. راهبرد (استراتژی)

راهبرد در لغت معادل فارسی واژه «استراتژی»^۱ است. ریشه کلمه «استراتژی»، واژه «استراتوگوس»^۲ به معنای فرمانده لشکری و کشوری است (عزتی، ۱۳۷۳، ص ۵). مشیری استراتژی و راهبرد را، «مجموعه عملیاتی که برای رسیدن به هدف معین، برنامه‌ریزی و هماهنگ می‌شود» تعریف می‌نماید (مشیری، ۱۳۷۱، ص ۶۱). در فرهنگ علوم سیاسی، واژه راهبرد، استراتژی و رزم‌آرایی به یک معنا به کار رفته و ازجمله تعاریف آن عبارت است از، «۱- علم و فن توسعه و به‌کاربردن قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت - هنگام جنگ و صلح - به‌منظور تأمین حداکثر حمایت از سیاست‌های ملی و افزایش احتمالات و نتایج مطلوب برای پیروزی و تقلیل احتمال شکست. ۲- هنر یا علم توسعه و به‌کارگیری بهتر امکانات در جهت نیل به هدف در مقابل سایر بازیگران».

(آقابخشی و راد، ۱۳۷۹، ص ۵۶۸).

از مجموع مقایسه تعاریف اصل و راهبرد، می‌توان اصل را قواعد عام و کلی دانست که اعم از راهبرد و روش است و راهبرد و روش برای تحقق اصول و قواعد مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ چرا که طبق تعریف ژان شاتو اصل مفهومی کلی است که معیار و ملاک قرار می‌گیرد و نمی‌تواند جزئی و دارای مصداق معین باشد؛ ولی راهبرد، علم، فن و یا مجموعه عملیاتی است که جهت نیل به اهداف برنامه‌ریزی و بکارگیری می‌شود؛ به عبارت دیگر، اصل به عنوان یک مفهوم کلی‌تر، قواعد و مبناهای عام را شامل می‌شود که به عنوان معیار و ملاک عمل می‌کنند و راهبرد به عنوان ابزار یا مجموعه‌ای از عملیات، برای تحقق و رسیدن به اهداف بر اساس آن اصول کلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴. مذاکره^۳

1. Strategy
2. Strategos
3. Negotiation

مذاکره معادل فارسی واژه عربی «مفاوضة» است. جوهری «فاوض» را به معنای همراهی، موافقت و گفت‌وگو نمودن می‌داند (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۰۹۹). طریحی بیان می‌دارد مفاوضه یعنی آنکه هر یک از طرفین مذاکره آنچه را نزدشان است به طرف دیگر ارائه نمایند (طریحی، ج ۴، ص ۲۲۳). ابن منظور نیز مذاکره را به معنای گفت‌وگو، مذاکره و تبادل نظر علما و دانشمندان می‌داند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۱۰). فرهنگ علوم سیاسی در تعریف مذاکره آورده است، «بحث و گفت‌وگوی شفاهی و کتبی بین دو یا چند دولت که بخواهند امری و یا عملی حقوقی را رتق و فتق و حل‌وفصل نمایند.» (آقابخشی و راد، ۱۳۷۹، ص ۳۸۵).

راهبردهای قرآن کریم در مذاکره با دشمن

با تتبع در آیات قرآن کریم و منابع معتبر تفسیری، مجموعه‌ای از راهبردها در زمینه مذاکره با دشمن قابل استخراج است؛ راهبردهایی که می‌توان آن‌ها را در چهار دسته اصلی طبقه‌بندی کرد: راهبردهای پیش از مذاکره، راهبردهای زمان مذاکره، راهبردهای پس از مذاکره و راهبردهای مشترک میان این سه مرحله. واکاوی دقیق این چارچوب‌ها و التزام به به کارگیری سنجیده آن‌ها در فرایندهای گفت‌وگویی، زمینه دستیابی حکومت‌ها و دولت‌های اسلامی به نتایج مطلوب‌تر و پایدارتر را فراهم می‌آورد. ازاین‌رو، در ادامه به تبیین هر یک از این چهار محور و راهبردهای زیرمجموعه آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. راهبردهای پیش از مذاکره

راهبردهای پیش از مذاکره بر ایجاد زمینه‌ای استوار برای ورود به گفت‌وگو تمرکز دارند. در این مرحله، صلح‌طلبی و ترجیح شیوه‌های مسالمت‌آمیز بر تقابل، جهت‌گیری کلان را شکل می‌دهد و در کنار آن، شناخت دقیق دشمن و ارزیابی اهداف و توانایی‌های او ضرورت می‌یابد. تقویت عزت و اقتدار نیز به‌عنوان پشتوانه‌ای راهبردی، امکان آغاز مذاکره از موضعی قدرتمند و کم‌آسیب‌پذیر را فراهم می‌سازد.

۱-۱. تقدم صلح‌طلبی بر ستیزه‌گرایی

در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (سوره بقره، آیه ۲۰۸): «ای اهل ایمان! همگی در عرصه تسلیم و فرمان بری [از خدا] در آید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، که او نسبت به شما دشمنی آشکار است»، «سِلْم» و «سَلَم» به معنای اسلام و صلح بوده (طوسی، بی‌تا ج ۲، ص ۱۸۶ و طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۸۹) و آیه از مصادیق دال بر تقدم صلح‌طلبی بر ستیزه‌گرایی است (مراغی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۵)؛ زیرا تشکیل حکومت جهانی همراه با صلح و آرامش و در پرتو ایمان ممکن خواهد بود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۸۲ و ۸۳).

مطابق با آیه ۶۴ آل عمران جامعه اسلامی برای پیشبرد اهداف خود باید زمینه‌های مشترک با جوامع دیگر را کشف نمایند. (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۹۵) به عبارت دیگر، جامعه اسلامی در روابط با دیگر جوامع باید از مسیر توافق وارد عمل شود و با جوامع و ادیان {الهی} دیگر متحد باشد. طبق شأن نزول آیه ۹۰ سوره نساء پیامبر اکرم p در مدینه از پیشنهاد انعقاد معاهده صلح و ترک مخاصمه (بی طرفی) قبیله اشجع یا قبیله بنی مدلج استقبال نمودند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۵۵ و ۵۶، طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۷ و ۳۸، بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۴۶) و این آیه از تعرض نسبت به افرادی که اعلام بی طرفی نموده‌اند منع می‌نماید (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۵۷، طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۱).

در آیه ۶۱ سوره انفال، «جنوح» به معنای میل و «سَلَم» و «سَلَم» به معنای صلح بوده و خداوند به جامعه اسلامی اجازه می‌دهد در صورت عاقلانه، منطقی و عادلانه بودن پیشنهاد صلح، آن را بپذیرند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۱۸، سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۵۴۶، طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۸۸، زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۴۹). نیز از آیه برداشت می‌شود اسلام جنگ را - ولو با کافران - مسأله ابتدایی ندانسته و درصدد است جنگ صورت نگیرد (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶۰). طبق آیات ۲۸ تا ۳۱ نمل، روح اسلام و ایمان در نفی برتری جویی و استعمار و گرایش و تسلیم شدن در برابر قانون حق خلاصه می‌شود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۴۶۰).

۱-۲. شناخت دشمن و طرف مذاکره

طبق آیه ۲۵ سوره انعام، رهبران الهی باید از روحیه دشمنان و مخالفان و ترفندهای آنان آگاه باشند و بدانند که روحیه انکار دشمنان تغییر ناپذیر است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۶۱). طبق این آیه دشمنان به شدت حق گریز بوده و در صورت به خطر افتادن منافع خود به تکذیب و دورغ پردازی رو می‌آورند. طبق آیه ۱۰۵ سوره بقره عدم شناخت دشمن و ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی او باعث فریب خوردن و مغلوب شدن در برابر او خواهد شد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۴).

در این قسمت، به منظور شناخت روحیات دقیق دشمنان، به مهم‌ترین ویژگی چهار گروه مذکور (کافران، مشرکان، منافقان و اهل کتاب) در قرآن کریم خواهیم پرداخت. با در نظر گرفتن هر سه گروه در جریان باطل و ذیل عنوان «عدو» و «دشمن» می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصلت‌های دشمنان را که می‌تواند در جریان روابط اجتماعی دولت اسلامی با آن‌ها تأثیرگذار باشد، به صورت ذیل جمع‌بندی نمود:

الف. لجوج، تقلیدکننده در باطل و گریزان از حق: آیه ۷ سوره بقره، نشان‌دهنده ویژگی لجاجت کافران است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۲۹، طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۳) و آیه ۵ سوره فصلت و ۲۳ سوره زخرف نیز به این ویژگی اشاره دارد.

ب. مغرور و متکبر: مطابق آیه ۲۹ سوره مطففین، طغیان، غرور و خودبینی از ویژگی دشمنان است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۶، ص ۲۷۴) و آیه ۴۶ سوره مؤمنون به ویژگی استکبار و طغیان‌گری (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۳۴) کافران اشاره می‌کند.

ج. اهل دنیا و بازدارنده از راه حق: آیه ۲۶ سوره انعام، به این ویژگی دشمنان اشاره داشته (طبری، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۰۹، زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴) و آیه ۳ سوره ابراهیم نیز به ویژگی دنیا طلبی دشمنان اشاره دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۶۵، طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۳).

د. پیمان شکن و ناقض عهد: آیه ۵۶ سوره انفال به این ویژگی دشمنان اشاره داشته (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۴۹، طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۱۲) و بیان می دارد مصرترین افراد در این ویژگی اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۳۰).

ه. به دنبال سلب ایمان مسلمانان: آیه ۱۰۹ سوره بقره به این ویژگی دشمنان (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۶۰ و مراغی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۰) و علاقه شان به مسلط شدن به مسلمانان (أبوزهرة، بی تا، ج ۱، ص ۳۶۰) اشاره دارد. آیه ۱۲۰ سوره بقره به ترس دشمنان از قدرت عقیده مسلمانان و تغییر میدان جنگ از عقیده به نظامی، سیاسی و.... جهت فریب مسلمانان اشاره می کند (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۰۸).

و. اهل خدعه، نیرنگ و سوگند دروغ: آیه ۵۶ سوره توبه به ابزار کار دشمنان - سوگند دروغ - (مراغی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۳۹) جهت رسیدن به منفعت خود (قرشی ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۵۲) اشاره دارد. آیه ۱۴۲ سوره نساء به حيله گری و خدعه دشمنان اشاره می کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۳۴).

۱-۳. تقویت عزت و اقتدار

قرآن کریم برای رسیدن مسلمانان به موفقیت و نهرا سیدن در شئون فردی و اجتماعی همواره آن ها را به توکل نمودن به خدا دستور داده و در کنار آن، جامعه اسلامی را به تقویت عزت و اقتدار سفارش نموده است، تا با حفظ این دو بال، از هیچ قدرتی نهرا سیده و از شر دشمنان و مستکبران در امان بمانند. در ادامه سفارش های قرآن کریم به جامعه اسلامی را مطرح می نماییم:

۱-۳-۱. توکل به خدا

آیه ۵۹ سوره عنکبوت بیان می دارد که تنها تکیه گاه و انگیزه حرکت مؤمنان در زندگی خداوند است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۳۳۱) و آن ها مطمئن اند خدا آن ها را از شر دشمن مصون می دارد (نهادندی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۸۴). آیه ۳۸ سوره زمر به این مطلب اشاره دارد که مؤمنان تنها خدا را وکیل امور خود قرار داده (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۲۶۷) و در وظایف خود کودتاهی نمی کنند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۹، ص ۳۳۷ و ۳۳۸). در آیه ۶۳ سوره زمر، تعبیر «له مقالید» کنایه از مالکیت و سلطه داشتن خدا بر آسمان ها و زمین بوده و بیان می دارد که مؤمنان به دلیل تسلیم بودن در برابر خدا در جهان به رستگاری می رسند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۵۲۷).

ذیل آیه ۳۸ سوره زمر، علامه طباطبائی بیان می‌دارد که آفرینش و تدبیر امور به دست خداوند است و پیامبر با بیان این عبارت، تنها خداوند را وکیل امور خود قرار می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۲۶۷). آیه ۵۱ سوره غافر نیز به نصرت حتمی مسلمانان از جانب خدا مبتنی بر مصلحت و حکمت الهی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۸۲۰، حجازی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۱۰) در جوانب و شئون مختلف (در برابر دشمنان) اشاره دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۸۲۰).

۱-۳-۲. تقویت عزت و اقتدار

مطابق با آیه ۷۶ سوره اسراء و قصد جدی دشمنان بر فریب و استدرار رسول اکرم (در مرحله اول) و اخراج ایشان (در مرحله دوم و پس از موفق نبودنشان در فریب و استدرار رسول) (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۲۴۶)؛ می‌توان نتیجه گرفت که هدف دشمن نابود کردن اساس دین است و در این راه به هیچ کس رحم نمی‌کند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۰۲)؛ بنابراین جامعه اسلامی باید بکوشد با پیشرفت در تمامی عرصه‌ها، مانع از استعمار و زیاده‌خواهی دشمنان شود. طبق آیه ۶۰ سوره انفال، جامعه اسلامی باید با تقویت تمامی قوای خود آمادگی مقابله با حمله‌های احتمالی دشمنان را داشته باشد و در عصر حاضر، جوامع اسلامی باید به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها و امکانات نظامی جهت مقابله با دشمن دست یابند (مراغی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۴). کلمه «قوة» باتوجه به نکره بودنش در این آیه، تمام قدرت‌ها و نیروهایی را که در پیروزی بر دشمن تأثیر می‌گذارد را در بر گرفته و شامل تمام قدرت‌های مادی و معنوی می‌شود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۲۲، سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۵۴۳-۱۵۴۴). این آیه به مؤمنان دستور می‌دهد تا به تهیه تدارکات جنگی در حدی که به آن احتیاج داشته و در دسترس دشمنان است، اقدام بورزند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۱۴ و ۱۱۵) و در همه شئون مادی، معنوی، مالی، رسمی و... و در همه زمان‌ها اعم از صلح و جنگ، به تقویت قوای خود مبادرت ورزند تا سپاه اسلام در نهایت آمادگی باشد (حجازی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۸۴۱). آیه ۱۳۹ سوره نساء به مسلمانان هشدار می‌دهد عزت خود را در همه شئون اعم از فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و... در درگاه خدا جست‌وجو نمایند چرا که عزت و قدرت دشمنان محدود و وابسته به قدرت الهی است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۷۱).

۲. راهبردهای زمان مذاکره

راهبردهای زمان مذاکره بر هدایت هوشمندانه و متوازن گفت‌وگو تأکید دارند. در این مرحله، رعایت احترام متقابل و تأکید بر مشترکات، فضایی سازنده برای تعامل ایجاد می‌کند، در حالی که صلابت در مواضع همراه با انعطاف‌پذیری و شفافیت و صداقت در بیان مطالبات، اصول اساسی مذاکرات را تضمین می‌کند. همچنین مذاکره از موضع اقتدار، توجه به مصالح مسلمانان و ثبت مکتوب مفاد و نتایج، چارچوبی مستحکم و قابل اتکا برای تحقق اهداف راهبردی فراهم می‌آورد.

۲-۱. رعایت احترام (متقابل)

طبق آیات ۴۶ و ۴۷ سوره مریم، سلام و ادب عادت بزرگواران بوده و حضرت ابراهیم ^{۱۵} با تقدیم سلام در پاسخ به توهین «آزر»، جهالت او را جبران نمود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۶۰). برابر با آیه ۴۴ سوره طه خداوند هنگام ارسال حضرت موسی و هارون □ به سوی فرعون، به بیان صریح و قاطع مطالب همراه با نرمی و ملایمت در گفت و گو با فرعون دستور می‌دهد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۲۰۸)؛ زیرا راه معالجه استکبار و طغیان، داشتن سعه صدر و قول لَین در مواجهه با آن‌ها است (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۰۷).

در آیه ۱۰۸ سوره انعام، خداوند از دشنام دادن به معبودان کافران باز می‌دارد، چرا که روش اسلام، روشی منطقی و استدلالی است و دشنام دادن به معبودان کفار باعث لجاجت بیشتر کافران و توهین آن‌ها به ساحت مقدس پروردگار خواهد شد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۹۴، طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۳۷، مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۵۷). مطابق آیه ۴۶ سوره عنکبوت، خداوند مؤمنان را به جدال احسن با اهل کتاب دستور می‌دهد. جدال احسن گفت و گویی است که در آن طعنه، اهانت و استهزاء نباشد، بر اساس محبت و برهان بوده و انگیزه اصلاحی در آن باشد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۱۵۳) و به گونه‌ای باشد که نشانه ضعف مسلمانان نباشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۳۷ و ۱۳۸).

۲-۲. تاکید بر مشترکات

آیه ۶۴ آل عمران، مبانی و اصول مشترک اهل کتاب با مسلمانان یادآوری می‌نماید چرا که توجه نمودن به مسائل مشترک جوامع می‌تواند در رسیدن به توافق راهگشا و مؤثر باشد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۷۸). مطابق با آیه ۴۷ سوره طه حضرت موسی ^{۱۶} در گفت و گو با فرعون، از تعبیر «پروردگار ما» استفاده کرد تا عواطف فرعون را به سوی پروردگار «مشترک» منعطف کند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۲۱۰ و سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۷). از آیه ۴۶ سوره عنکبوت برداشت می‌شود که دین مبین اسلام دیدگاهی فراتر از دیدگاه‌های سطحی، ملی، منطقه‌ای و قومی داشته و به دنبال آن است که تمامی روابط جوامع و انسان‌ها به دور از تعصبات نادرست باشد؛ لذا در گفت و گو با ادیان و جوامع دیگر لازم است به مسائل مشترک توجه شود (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۷۴۵).

۲-۳. انعطاف پذیری در عین صلابت

طبق آیه ۹ سوره قلم، به جامعه اسلامی اجازه تسامح، سازش و تساهل در مسائل اصلی و پذیرش پیشنهادهای انحرافی و اصول ستیز داده نشده است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۳۸۴، رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۱۸۴). انعطاف‌پذیری در مذاکرات از حالت‌های گوناگونی برخوردار است. گاهی این انعطاف‌پذیری به نحوه گفت‌وگو با دشمنان و طرف مذاکره بر می‌گردد، مانند تعامل نرم‌خویانه حضرت موسی و هارون □ با فرعون و استفاده از تعبیر «إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ» جهت برانگیختن عواطف وی. البته که گفت‌وگو و تعامل با نرمی و لطافت منافاتی با قاطعیت ندارد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۳۴۹). حالت دیگر انعطاف‌پذیری در مذاکرات، موضوع کوتاه آمدن نسبت به یک سری مسائل اعم از زمان و مذاکره، کوتاه آمدن نسبت به برخی از خواسته‌ها، چشم

پوشی از برخی اشتباه‌های طرف مقابل حین مذاکره و مسائل دیگر است. گاه دشمن به دنبال آنست تا با بهانه جویی نسبت به نبود یک سری امتیازات از ادامه مذاکرات سر باز زند؛ چنانکه طبق آیات ۵۸-۶۰ سوره طه، فرعون زمان دیگری را جهت ادامه مذاکره و مقابله با معجزات حضرت موسی و پیشنهاد داد و حضرت نیز با پیشنهاد وی موافقت کرد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۲۳۰).

مطابق با آیات ۲۸-۴۴ سوره نمل، سلیمان نبی و قوم سبا را تهدید به حمله نظامی نمود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۴۶۱ و ۴۶۲). ملکه سبا و پیروانش پس از مشاهده برخورد قاطع ایشان تصمیم گرفتند حضوراً خدمت حضرت برسند و پیامبر خدا از اقدام آن‌ها استقبال نمود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۴۶۷). از آیه ۶ سوره توبه برداشت می‌شود گاهی در ارتباط با مشرکان و دشمنان باید نرمش را با قاطعیت و سخت‌گیری تلفیق کرد، تا بدین‌وسیله شرایط برای همراهی و پیوستن آن‌ها به حق فراهم شود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۹۳ و ۲۹۴).

۲-۴. شفافیت و صداقت در مذاکره

با تدبیر در آیات ۴۷ و ۴۸ سوره طه برداشت می‌شود حضرت موسی و هارون □ جهت مذاکره با فرعون به مصر رفته (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۷، مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۷۲) و در کمال شفافیت و اقتدار مطالب خود را بیان نمودند. طبق آیات ۱۱۱-۱۱۴ سوره شعرا حضرت نوح و در کمال صراحت، درخواست مستکبرین را مبنی بر طرد افراد مستضعف و تهیدست (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۲۸۲) رد کرده و راضی نشد آئین و منشش استکبار پسند باشد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۸۳)؛ بنابراین مسلمانان باید با پیشنهادها و توقعات نابجای دشمنان قاطعانه برخورد نمایند. طبق آیه ۱۶۱ سوره آل عمران، خداوند هشدار می‌دهد خیانت به هر مقدار که باشد در قیامت بازخواست خواهد شد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۵۲)؛ لذا جوامع اسلامی در روند مذاکره، ضمن رعایت شفافیت و صداقت، باید از حيله و خیانت دوری نمایند.

۲-۵. مکتوب نمودن مفاد و نتایج مذاکرات

مکتوب شدن توافق‌نامه‌ها و معاهدات، باعث می‌شود دولت‌ها ضمن داشتن سند محکم از توافق‌نامه، به عهده‌های خود پایبند بوده و از خیانت در پیمان‌ها دوری نمایند. آیه ۲۸۲ سوره بقره، مقررات دقیقی را برای قراردادهای و امور تجاری بیان کرده تا از نزاع میان مردم جلوگیری نماید (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۸۳). از اینکه بزرگترین آیه قرآن در خصوص تنظیم قراردادهای حقوقی و مالی است، این مطلب قابل برداشت است که خداوند متعال به قانونمند کردن جامعه و جوامع انسانی و دینی بسیار اهمیت می‌دهد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۴۵). همچنین از آیه، لزوم شهادت گرفتن و مکتوب نمودن هرگونه قرارداد با کفار و مشرکان را می‌توان برداشت نمود (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۷۹، گلیپایگانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۲۷).

۲-۶. در نظر داشتن مصالح مسلمانان

جوامع اسلامی برای داشتن ارتباطی مفید و مؤثر با کشورها و جوامع دیگر، باید این ارتباط را بر مبنای اصول و مبانی دینی و قانونی جامعه خود تنظیم کرده و مصالح جامعه خود را مدنظر داشته باشند تا آسیب و خطری متوجه آن جامعه نشود. برای داشتن ارتباط و مذاکره مطلوبی که منجر به حفظ مصالح اسلام باشد، لازم است سه مورد رعایت شود که در ذیل بررسی می شود:

۲-۶-۱. منجر نشدن مذاکره به سلطه دشمن (نفی سیل)

طبق آیه ۱۴۱ سوره نساء، بر مسلمانان واجب است استقلال خود را در همه عرصه های اجتماعی حفظ کرده و از پذیرش هر قراردادی که راه نفوذ و سلطه دشمن را مهیا می سازد اجتناب ورزند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۴۲، فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۵۱۴). این آیه عمومیت دارد و شامل هر نوع برتری مؤمنان بر کافران می شود، چه از نظر فقهی و شئون اجتماعی و چه از نظر برتری در دنیا و آخرت (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۹۷). آیه ۱۱۳ سوره هود نیز، مسلمانان را از رکون (دل گرمی) به کافران منع می دارد. «رکون» را به معنای دلگرم شدن (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۷۸) تمایل نشان دادن (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۰۶) موافقت نمودن و تمایل نشان دادن (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۳۴۱)، اعتماد کردن (مراغی، بی تا، ج ۱۲، ص ۹۲، سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۱۹۳۱) و اعتماد توأم با میل (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۵۰) دانسته اند. میل و تکیه نکردن به ستمکاران به معنای حفظ استقلال و منافع اسلام در ارتباط با دشمنان است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۳۱۹). برخی وجه جامع معانی ذکر شده برای واژه «رکون» و «رکن» را اعتماد و اتکاء دانسته اند؛ زیرا این اعتماد و اتکاء به بیگانگان و دشمنان است که زمینه وابستگی به آنها و پذیرش عقاید و باورهایشان را رقم زده و باعث ذلت و خواری مسلمانان می گردد (خالقی بایگی؛ رجائی پور؛ احمدی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۰) طبق این آیه، یک جامعه قوی و پشستاز در همه شئون خود مستقل بوده، رابطه اش با جوامع دیگر بر مبنای منافع متقابل باشد و از وابستگی به جوامع دیگر به دور باشد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۲۶۲).

۲-۶-۲. منجر نشدن مذاکره به رابطه ولایی (دوستی) با دشمن

طبق آیه ۱۱۸ سوره آل عمران، خداوند مسلمانان را از داشتن رابطه دوستی با کافران و بیان رازها به آنان منع کرده است. «بطانة» به معنای لباس زیرین است و در اینجا کنایه از «محرم اسرار» می باشد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۳۳، مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۶۳). از این آیه استفاده می شود که دشمنان لحظه ای در توطئه و فساد نسبت به جامعه اسلامی کوتاهی نمی کنند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۶۳)، دشمنان همواره در صدد ایجاد فساد فکری و زحمت آفرینی برای مسلمانان اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۳۴-۲۳۵)؛ لذا می توان اینگونه نتیجه گرفت که مسلمانان و جوامع اسلامی نباید از کافران و مستشاران خارجی در مقامات استفاده نمایند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۹۰).

مطابق با آیه ۵۴ سوره مائده رفتار مسلمانان نسبت به کافران، باید رفتاری همراه با عزت، اقتدار و سرسختی باشد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۰۶). در آیه ۱۴۹ سوره آل عمران، خداوند نسبت به خطر وابستگی به کافران و پیامد ارتجاع [از اصول اعتقادی

و مکتبی] و زیانکاری هشدار می‌دهد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۹۰، مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۲۴). از آیه ۱۰۹ سوره بقره برداشت می‌شود دشمنان در صدد اند جامعه اسلامی را به انحراف و ارتجاع کشانده و مانع پیشرفت آن شوند (مراغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۰، فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۶۷). میل و تکیه نکردن به ستمکاران در آیه ۱۱۳ سوره هود به معنای خودداری از اطاعت ستمکاران و داشتن رابطه دوستی با آن‌ها است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۳۱۹). از آیات ۲۸ سوره آل عمران و ۵۱ مائده، اینگونه برداشت می‌شود که صرف دوستی با کافران و دشمنان به شرط آنکه منجر به «ولایت محبت و مودت»، «ولایت تصرف» و «ولایت نزدیکی و ارتباط با دشمنان» نگردد مانعی ندارد (بوژمهرانی؛ کهساری؛ ایروانی؛ صابریان، ۱۴۰۱ش، ص ۱۴۰-۱۴۵).

۲-۶-۳. منجر نشدن مذاکره به ظلم و تقویت ظلم

طبق آیه ۱۱۳ سوره هود، یکی از مصادیق و معانی تمایل نشان‌دادن، شرکت نکردن در ستم‌های ستمگران و ظالمان می‌داند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۳۱۹). در این آیه نتیجه اعتماد و تمایل به دشمن، اظهار رضایت به درستی ظلم ستمکاران و تبعیت نمودن از آنها و شراکت با آنها در انجام ستم‌ها اعلام شده است (مراغی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۹۳، سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۱۹۳۲) و حاصل این تبعیت و مشارکت در شئون مختلف، تقویت توان ظالمان و افزایش ظلم خواهد بود (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۱۴۲). طبق آیه ۲ سوره مائده، لازم است رفتار کشورهای اسلامی در صحنه بین‌المللی در راستای حمایت از مظلوم و محکوم نمودن ظالم باشد و حاصل تحقق اصل «تعاون در نیکی‌ها» در مقیاس جهانی و بین‌المللی برچیده شدن بساط ظلم و استعمار از جهان خواهد بود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۵۴). طبق آیه ۸ سوره مائده، جامعه اسلامی باید در سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌ها، و در برخورد با انسان‌ها و جوامع دیگر اصل عدالت را مدنظر قرار دهند (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۸۵۲).

۲-۷. انجام مذاکره از موضع عزت و اقتدار

کشورهای اسلامی برای داشتن ارتباطی مفید و مؤثر با دشمنان و کشورهای دیگر، باید خود را بی‌نیاز از طرف مقابل و مقتدر در برابر آنها نشان دهند تا دشمنان نتوانند از احساس ضعف آنها سوءاستفاده نمایند. آیه ۷ سوره منافقون به این مطلب اشاره دارد که تنها راه رسیدن مسلمانان به اقتدار و عزت آنست که امید و توکلشان در همه شئون زندگی به خداوند باشد (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۶، ص ۳۵۷۹) و نیز این آیه مسلمانان را از قصدها و ثبات شوم دشمنان آگاه می‌سازد و آن‌ها را به حفظ استقلال در تمامی شئون اقتصادی، سیاسی و... مبنی بر اعتماد و اتکاء به خداوند متعال دعوت می‌کند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۴۲۳)؛ زیرا مراقبت از استقلال جامعه اسلامی منجر به حفظ عزت و اقتدار آن خواهد شد.

طبق آیه ۳۱ سوره نمل، حضرت سلیمان ۱۱ در نامه‌ای کوتاه از موضع اقتدار و صلابت ملکه سبا را به پذیرش صلح و تسلیم شدن فرا خواندند (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۶۳۹-۲۶۴۰). تهدید سفیران قوم سبا به حمله نظامی در پاسخ به ارسال هدیه ملکه‌شان (سوره نمل آیه ۳۷)، نشان از دومین حرکت مقتدرانه ایشان در مذاکره بود (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۶۴۱) و علت حرکت

ملکه سبا به سوی حضرت سلیمان ع را حاکی از عظمت حکومت حضرت دانسته‌اند (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۲۲). طبق آیه ۷۱ سوره یونس حضرت نوح ع با شجاعت و اقتدار در برابر دشمنان ایستادگی نموده و دشمن را به جمع نمودن تمام قوای مادی و معنوی جهت ایستادگی در برابر دعوت الهی خویش دعوت می‌نماید (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۴۲۵). برابر با آیات ۴۷ و ۴۸ سوره طه، حضرت موسی و هارون ع در مواجهه با فرعون، خواسته خود - مبنی بر آزاد سازی بنی اسرائیل از اسارت - را در کمال اقتدار مطرح نمودند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۴۹). طبق نظر مراغی، منشأ انجام مذاکره مقتدرانه با دشمن و نهراسیدن از قدرت او، توجه به عزت و قدرت نامتناهی خداوند است (مراغی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۱۴).

۳. راهبردهای پس از مذاکره

راهبردهای پس از مذاکره بر حفظ منافع و امنیت طرف مذاکره کننده تأکید دارند. در این مرحله، پایش رفتار طرف مقابل و مقابله به مثل در صورت بدعهدی یا نقض توافق، ابزاری برای تضمین پایبندی به تعهدات است. این رویکرد ضمن حفظ عزت و اقتدار، امکان مدیریت شرایط پس از مذاکره و پیشگیری از سوءاستفاده دشمن را فراهم می‌کند.

۱-۳. مقابله به مثل (در صورت بدعهدی و خیانت طرف مذاکره)

مطابق آموزه‌های اسلام، کشورهای اسلامی باید اصل «مقابله به مثل» را سرلوحه کار خود قرار داده و از ظلم و تعدی نسبت به این جوامع پرهیزند. طبق آیه ۱۹۴ سوره بقره، جهاد ابتدایی ناپسند است؛ ولی اگر در پاسخ به تجاوز دیگران باشد، پسندیده است؛ چرا که منجر به عدم پذیرش ظلم ستمگران می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۶۳). این آیه منحصر به قصاص در قتل و جنایت نبوده، بلکه امور مالی و سایر حقوق را نیز در بر می‌گیرد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۳) و به مسلمانان اجازه داده است که با ستمگران به اندازه تجاوزشان مقابله نمایند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۳۳). به عبارت دیگر، حقوق افراد و جوامع تا زمانی محترم است که به آن حقوق پایبند باشند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۴۳).

طبق آیه ۱۲۶ سوره نحل، مقابله به مثل، حق مسلم و طبیعی مظلومان و انسان‌ها است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۳۵۹). از تدبیر در آیه ۶۰ سوره حج برداشت می‌شود علت عقوبت و قصاص باید تجاوز و تعدی دشمن باشد، و جامعه اسلامی حق ندارد از روی دشمنی و گردنکشی به قصاص روآورد (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۴۳۹). طبق آیه ۱۲ سوره توبه، جامعه اسلامی باید در صورت تحقق نقض پیمان از دشمنان، پیمان‌های صورت گرفته را بی ارزش دانسته و نقض نمایند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۵۸-۱۵۹). برابر با آیه ۵۸ سوره انفال، جامعه اسلامی حق دارد در صورت مشاهده رفتارهایی از دشمنان که نشان دهنده خیانتشان به معاهده است، عهدنامه را به طور علنی و به دور از فریب و خیانت نقض نماید (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۱۱۳، سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۵۴۳، مراغی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۲)؛ زیرا اولین تحرکات خلاف مفاد قرارداد و به قصد نقض پیمان، از

سوی دشمنان انجام شده است و پاسخ جامعه اسلامی مبتنی بر «اصل مقابله به مثل» می باشد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۴۰۵، طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۱۱۳).

۴. راهبردهای مشترک میان سه مرحله

راهبردهای مشترک میان سه مرحله مذاکره بر حفظ هوشیاری، پرهیز از اعتماد ساده لوحانه و دوری از حيله و خیانت تأکید دارند. در همه مراحل، این اصول زمینه تصمیم گیری درست و مدیریت هوشمندانه تعامل با دشمن را فراهم می کند و در کنار سپردن امور به خدا، ثبات راهبردی و اخلاقی مذاکره را تضمین می کند.

۴-۱. حفظ هوشیاری در برابر دشمن و عدم اعتماد به او

مسئولین جامعه اسلامی موظف اند پس از انجام مذاکره، حرکات دشمنان را با نهایت دقت و هوشیاری زیر نظر گرفته، مراقب روحیه خیانت و فتنه انگیزی دشمنان باشند و از اعتماد کامل به آنان خودداری نمایند. در آیه ۷۱ سوره انفال به سابقه تاریخی خیانت دشمنان نسبت به جامعه اسلامی اشاره شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۳۰). آیه ۱۰۲ سوره نساء حاکی از توطئه ها و نقشه های پنهانی دشمنان برای ضربه زدن به مسلمانان است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۴۷)؛ بنابراین جامعه اسلامی باید همواره هوشیار بوده و عوامل غفلت را از خود دور نماید (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۷۳).

آیه ۲ سوره ممتحنه تذکر می دهد که مذاکره با دشمنان اندک تأثیری در انگیزه دشمنی آنان ندارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲۰، ص ۳۱۸) چرا که دشمنان به دنبال تسلط همه جانبه و ضربه زدن بر جامعه اسلامی اند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۵۷۶) و ابراز مودت از سوی آنان ظاهری و از خوف قدرت جامعه اسلامی است. (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۵، ص ۳۰۲، طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۲۲۸). طبق آیه ۱۲۷ سوره اعراف روش دشمنان و استعمارگران، رو آوردن به مبارزه های ریشه ای و عمیق است تا بوسیله آن، قدرت جامعه توحیدی را از ریشه نابود نماید (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۰۹، رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۰۶).

همچنین جامعه اسلامی موظف است پس از مذاکره با دشمنان مراقب روابط منافقان داخلی و دشمنان خارجی نیز باشد چرا که طبق آیه ۱۱ سوره حشر همواره منافقانی در جوامع اسلامی زندگی می کنند که با دشمنان روابط مخفیانه و خائنه داشته و سرمایه امید آنها هستند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۵۲۷) و مطابق آیه ۴ سوره منافقون، هدف منافقان (دشمنان داخلی) برهم زدن اتحاد و سلامت جامعه اسلامی است؛ لذا نباید اسرار کشور را در اختیار آنان قرار داد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۲۲، ص ۲۳۱).

۴-۲. دوری از حيله و خیانت

از آیه ۵۲ سوره یوسف برداشت می‌شود خداوند متعال از خیانت و حيله نسبت به ديگران بيزار است و آن را روا نمی‌داند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۱۰، سبزواری، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ۵۰)، با پرده برداری از مکر و حيله خيانتکاران، خیانت آن‌ها را بی‌نتیجه گذاشته است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۱۰، مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۱۸) و آن‌ها را در مقابل ديگران خوار و ذلیل می‌نماید (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۲۲۵).

خیانت و امانت در مفهوم قرآن، تمام شئون زندگی انسان‌ها اعم از اقتصادی، سیاسی، نظامی و... را شامل می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۶۵). در آیه ۱۶۱ سوره آل عمران خداوند {و پیروانش} را از خیانت نمودن باز داشته و هشدار می‌دهد خیانت به هر مقدار که باشد در قیامت بازخواست خواهد شد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۱۷).

۴-۳. سپردن کارها به خداوند

طبق آیه ۶۲ سوره انفال جوامع اسلامی باید به وظیفه خود-پذیرش پیشنهاد صلح دشمنان در عین هوشیاری-عمل نمایند و از فریب دشمن نهراسند، چرا که خداوند متعال پشتیبان جامعه اسلامی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۱۱۸، رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۸، ص ۱۱۵-۱۱۶، مکارم، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۳۱). طبق آیه ۳۰ سوره انفال خداوند پیوسته طرفداران حق را حمایت نموده و هر کجا لازم باشد حيله و مکر دشمنان را آشکار و نقش بر آب می‌نماید (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۴۶) و امروزه نیز برنامه‌ها و مکرهای استکبار جهانی و صهیونیسم در کشورهای اسلامی {جهت نابودی اسلام} در نهایت به نفع مسلمانان خواهد شد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۷۱)؛ زیرا خداوند متعال مکرها و برنامه‌های دشمنان را خنثی و بی‌نتیجه خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

مذاکره یکی از مهم‌ترین و متداول‌ترین ابزارهای دیپلماسی جهت حل و فصل اختلاف‌ها و دستیابی به منافع و مطالبات دولت‌ها و کشورها است. با تتبع در آیات قرآن کریم، تفاسیر و معاجم قرآنی می‌توان برای انجام مذاکره مطلوب حکومت اسلامی با دیگر دولت‌ها و حکومت‌ها اصول و راهبردهای ذیل را پیشنهاد و ارائه کرد:

راهبرده مذاکره با دشمن از منظر قرآن کریم ذیل چهار عنوان: راهبردهای قبل از مذاکره؛ راهبردهای زمان مذاکره؛ راهبردهای پس از مذاکره و راهبردهای مشترک میان این سه مرحله تبیین و تقسیم‌بندی می‌شود. همچنین این راهبردهای چهار مرحله‌ای را می‌توان ذیل چهار اصل: الف. اصل توحید و ولایت، ب. اصل عزت و اقتدار، ج. اصل عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی و د. اصل حکمت و مصلحت، تقسیم و جمع‌بندی کرد.

اصول مذاکره با دشمن از منظر قرآن کریم مطابق با مستندات این پژوهش عبارت است از:

الف. اصل توحید و ولایت، مطابق با این اصل، کشورهای اسلامی باید به گونه‌ای در روند مذاکره حضور پیدا کنند که معاهده و توافق‌نامه‌شان در نهایت منجر به خروج از سایه توحید و قرارگرفتن ذیل پرچم طاغوت و دشمنان نشود. سه راهبرد از راهبردهای ذکر شده ذیل «اصل توحید و ولایت» قرار دارد که عبارت است از: الف) سپردن کارها به خداوند (اتکاء به قدرت الهی)، ب) منجرنشدن مذاکره به سلطه دشمنان و مستکبران (نفی سبیل) و ج) منجرنشدن مذاکره به رابطه ولایی با دشمنان و مستکبران (التزام به قاعده تولی و تبری).

ب. اصل عزت و اقتدار، با التزام و رعایت این اصل، مذاکره کشورهای اسلامی با دشمن به گونه‌ای پیش خواهد رفت که در همه مراحل ضمن حفظ شدن، اقتدار اسلام و جامعه اسلامی، باتوجه به حفظ عظمت و شوکت دولت اسلامی در دیدگان دشمن، زمینه و لوازم انجام یک مذاکره مطلوب برای حکومت اسلامی به آسانی فراهم خواهد شد. راهبردهایی که التزام به آن طبق این اصل ضروری و لازم است عبارت است از: الف) تقویت عزت و اقتدار، ب) انجام مذاکره از موضع اقتدار و بیان صریح مفاد، ج) مقابله به مثل

ج. اصل عدالت طلبی و ظلم ستیزی، کشورهای اسلامی در همه زمینه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و دیگر عرصه باید همواره به دنبال عدالت طلبی باشند. در مذاکره نیز این اصل همواره ثابت است؛ بنابراین در ابتدای امر دولت‌های اسلامی باید درصدد برقراری صلح و مسالمت بوده و به هنگام انجام توافق باید از پذیرش معاهدات پرورش دهنده ظلم پرهیز نمایند. راهبردهای این اصل عبارت است از: الف) تقدم صلح طلبی بر ستیزه گرایی، ب) رعایت احترام (متقابل) و ج) منجرنشدن مذاکره به ظلم و تقویت ظالم

د. اصل حکمت و مصلحت، طبق این اصل بسیار مهم، دولت‌های اسلامی موظف اند در همه مراحل مذاکره به گونه‌ای عمل نمایند که ضرری به جامعه و حکومت اسلامی وارد نشده؛ بلکه توافقی به گونه‌ای باشد که باعث کسب حداکثری امتیازها و رفع حداکثری نیازهای دولت اسلامی شود. راهبردهای این اصل عبارت اند از: الف) مکتوب کردن وظایف و نتایج، ب) توجه به گفت‌وگوهای مقدماتی، ج) تأکید بر مشترکات، د) استفاده از فرصت‌های ایجاد شده در اثر مذاکره، ه) انعطاف‌پذیری در عین صلابت، و) حفظ هوشیاری در برابر دشمن و عدم اعتماد به او و ز) دوری از حيله و خیانت.

سپاسگزاری

«... وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (هود: ۸۸). بدین وسیله بر خود وظیفه می‌دانیم از همه بزرگوارانی که در مقاطع تحصیلی مختلف، حق تعلیم بر گردن ما دارند، کمال قدردانی و تشکر را داشته باشیم.

فهرست منابع

قرآن کریم و ترجمه حسین انصاریان.

۱. آقابخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۷۹ش). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
۲. آلاد پوش، علی و توتونچیان، علیرضا (۱۳۷۲ش). دیپلمات و دیپلماسی. تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
۳. ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحرير و التنوير (تفسیر ابن عاشور). بیروتی: مؤسسه التاريخ العربی.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۶. أبوزهره، محمد (بی تا). زهرة التفاسیر. بیروت: دارالفکر.
۷. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۸ش). دیپلماسی و رفتار بین المللی در اسلام. تهران: سمت.
۸. أزهري، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذيب اللغة. بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
۹. الفی، محمدرضا و ساعدی، حجت الله (۱۳۸۷ش). مبانی و اصول علم سیاست. تبریز: اختر.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلمان (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه البعثة (قسم الدراسات الإسلامیه).
۱۱. بروجردی، محمدابراهیم (۱۳۶۶ش). تفسیر جامع. تهران: کتابخانه صدر.
۱۲. بوژمهرانی، حسن؛ کهساری، رضا؛ ایروانی، جواد و صابریان، علیرضا (۱۴۰۱ش). محدوده چالش و تعامل با بیگانگان در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و حدیث. آموزه های قرآنی، دوره ۱۹، شماره ۳۵، صص: ۱۵۸-۱۳۵، DOI:10.30513/qd.2021.1863.1381
۱۳. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ش). تفسیر کوثر. قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ش). الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۵. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق). التفسیر الواضح. بیروت: دارالجیل.
۱۶. خالقی بایگی، عزیز؛ رجائی پور، مصطفی و احمري، حسین (۱۳۹۸ش). نفی سلطه گری و سلطه پذیری در آیات ۲۷۹ بقره، ۱۴۱ نساء و ۸۳ قصص. آموزه های قرآنی، دوره ۱۶، شماره ۳۰، صص: ۱۸۰-۱۵۵، https://qd.razavi.ac.ir/article_284.html

۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰ش). راهبردهای سیاست خارجی برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری. تهران: انقلاب اسلامی.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۱۷ق). بحث حول الصابئة. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام. (ملاحظات: مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (عربی)، شماره ۴ - نشر الکترونیکی مرکز قائمیه اصفهان).
۱۹. خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۶ش). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. تهران: دائرة المعارف قرآنی.
۲۰. ذوقی، امیر (۱۳۹۸ش). درآمدی بر جایگاه صلح و جنگ در قرآن و سیره نبوی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش). ترجمه و تحقیق الفاظ قرآن کریم. ترجمه بی‌نا، تهران: مرتضوی
۲۳. راوندی، قطب‌الدین سعید بن عبدالله (۱۴۰۹ق). فقه القرآن. تحقیق و تصحیح سید احمد حسینی، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷ش). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۲۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۶. ژاتو، شان (۱۳۶۹ش). مریبان بزرگ. ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. سبزواری، محمد (۱۴۰۶ق). الجدید فی تفسیر القرآن المجید. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۸. شبان‌نیا، قاسم (۱۳۹۹ش). مذاکره دولت اسلامی با سایر دُول از منظر فقه اسلامی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۹. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۰۵ق). رسائل الشریف المرتضی. جلد ۲، قم: دارالقرآن کریم.
۳۰. صدر، سید محمد (۱۴۲۰ق). ماوراء الفقه. بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۱. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن: تهران، ناصر خسرو.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا). ترجمه تفسیر مجمع البیان. ترجمه حسین نوری همدانی. تهران: فراهانی.
۳۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری). بیروت: دار المعرفه.

۳۵. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). مجمع البحرين. محقق / مصحح احمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۳۸. فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.
۳۹. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: مؤسسة دارالهجرة.
۴۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۱. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۵ش). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت (مرکز چاپ و نشر).
۴۲. قطب، سید (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
۴۳. کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۷۸ش). روابط بین الملل در تئوری و عمل. تهران: قومس.
۴۴. گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۳ق). کتاب القضاء. تقریر سید علی حسینی میلانی، قم: دارالقرآن الکریم.
۴۵. گوهری مقدم، ابوزر و کیانی مجاهد، حامد (۱۳۹۸ش). الگوی مذاکره در سیره نبوی. دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، دوره ۱۵، شماره ۱- شماره پیاپی ۲۹، صص: ۲۴۲-۲۱۷، DOI:10.30497/pk.2019.2624
۴۶. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبی الحسین.
۴۷. مراغی، احمد مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: دار الفکر.
۴۸. مشکینی، میرزا علی (بی تا). مصطلحات الفقه. بی جا: بی نا.
۴۹. مشیری، مهشید (۱۳۷۱ش). فرهنگ الفبای - قیاسی زبان فارسی. ویرایش دوم، تهران: سروش.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۵۱. موحیدی نیا، مهدی؛ قراملکی، علی مظهر و حسینی، سید محمد (۱۳۹۷ش). اصول و قواعد بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره. پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۴، شماره ۳، صص: ۵۸۱-۶۰۶، DOI: 10.22059/jorr.2018.241075.1007797
۵۲. موسوی، سید محمد (۱۳۹۹ش). دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام. تهران: دانشگاه پیام نور.
۵۳. موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰ق). الإفصاح فی فقه اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۵۴. نادری، مهدی (۱۳۹۲ش). سیمای سیاست در قرآن. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۵۵. نهاوندی، محمد (۱۳۸۶ش). نفحات الرحمان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسة البعثة (مرکز الطباعة و النشر).

۵۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶ش). تفسیر راهنما. قم: بوستان کتاب قم.

۵۷. نرم افزار مذهبی نور (جامع التفاسیر و قاموس النور) - متعلق به سایت نور (noorsoft.org)

سازمان
پیش از انتشار